

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه تهران

پردیس قم

عنوان:

اعتبار امر مختوم کیفری و جایگاه آن در حقوق کنونی ایران و
اسناد بین المللی

نگارش: رسول خسروپور

استاد راهنما: جناب دکتر محمد ابراهیم شمس ناتری

استادان مشاور: جناب دکتر فتحی

جناب دکتر حدادی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در:

حقوق جزا و جرم شناسی

پاییز ۱۳۸۶

تقدیم به :

پدر و مادرم

که هر چه دارم از آنها دارم

و همسرم

که با دلگرمی های او این کار

به فرجام رسید

با تشکر از :

تمامی استادان ارجمندم

به ویژه :

استادان گرامی راهنما و مشاور این پایان نامه

چکیده

قاعده اعتبار امر مختوم کیفری یکی از قواعد مهم آیین دادرسی کیفری است که در قوانین ملل متمدن جهان و همچنین تعدادی از اسناد بین المللی پیش بینی شده است .

مبنای این قاعده در واقع حفظ نظم عمومی می باشد . موضوع تحقق آن نیز عبارت است از : ۱- رای دادگاه ۲- قاطعیت رای ۳- منطوق رای .

پس از تحقق قاعده سه شرط نیز برای استناد به آن وجود دارد : ۱- وحدت موضوع ۲- وحدت اصحاب دعوا ۳- وحدت سبب

این قاعده دو اثر دارد : اثر مثبت و اثر منفی . اثر مثبت یا جنبه ایجابی قاعده مستلزم اجرای رای دادگاه اعم از برائت و محکومیت است و اثر منفی یا جنبه سلبی نیز مستلزم عدم محاکمه و مجازات مجدد یک شخص برای ارتکاب عمل مجرمانه واحد است .

در خصوص این قاعده جنبه سلبی از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که متضمن حفظ حقوق شهروندی در مقابل تعرض های دولت و دستگاه قضایی از طریق محاکمات مجدد به خاطر عمل مجرمانه واحد می باشد. آنچه در اسناد متعدد بین المللی راجع به این قاعده مورد تاکید قرار گرفته نیز همین جنبه سلبی است.

این قاعده مفهومی نسبی دارد به این شرح که حدود اعتبار آن بستگی دارد به اینکه در چه مرحله ای از رسیدگی های کیفری و در برابر چه مرجعی به آن استناد شود

در قوانین ایران و در چند دهه اخیر استثنائات ناروایی بر این قاعده وارد شده بود که به مرور و به موجب اصلاحاتی تقریباً حذف شدند. اکنون آنچه در این خصوص در قوانین ایران قابل انتقاد است و باید اصلاح شود مساله اعتبار آرای جزایی دادگاه های خارجی است . به موجب قوانین موجود ، احکام جزایی دادگاه های خارجی برای محاکم ملی لیران هیچگونه اعتباری ندارند و لذا ممکن است شخصی که به خاطر ارتکاب جرمی در کشوری خارجی محاکمه شده و حکم در

موردش اجرا شده است در صورت حضور در ایران مجدداً محاکمه شود بی آنکه میزان کیفر تحمل شده قبلی از محکومیت جدید کسر گردد . به این ترتیب حقوق چنین شهروندی با محاکمه مجدد و مجازات مضاعف پایمال می شود . اسناد بین المللی که به قاعده توجه نموده اند برخی جهانی اند و برخی منطقه ای.

در اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی به عنوان اسناد جهانی ، استثنائاتی بر قاعده وضع شده اند که دلیل آن نیز این است که در بسیاری موارد دادستان این دادگاه ها بر خلاف دادگاه های ملی از موقعیت برتر و بهتری نسبت به متهم برخوردار نیستند و به علاوه بسیاری از دادگاه های ملی که برای محاکمه جنایتکاران بین المللی تشکیل می شوند به دلیل موقعیت و نفوذ متهمان که گاه از مسوولان کشوری یا لشکری هستند جنبه صوری و فرمایشی داشته و برای رها کردن آنها از مسوولیت کیفری بین المللی تشکیل می شود .

فهرست مطالب

دییآچه	۱
بخش نخست-قاعده اعتبار امر مختوم کیفری	۵
فصل نخست- تمهیدو تبیین قاعده اعتبار امر مختوم کیفری	۵
مبحث نخست- پیشینه تاریخی	۶
مبحث دوم- تعریف و ماهیت قاعده	۸
گفتار نخست- تعریف قاعده	۸
گفتار دوم- ماهیت قاعده	۱۱
الف- مفهوم اماره قانونی	۱۱
ب- قواعد ماهوی یا موضوعی	۱۲
مبحث سوم - مبانی قاعده	۱۳
گفتار نخست- فرضیه های حقوقی	۱۳
الف- اراده حکومت	۱۴
ب- فرض صحت احکام	۱۵
ج- نظریه اسقاط حق اقامه دعوا	۱۵
گفتار دوم- ملاحظات اجتماعی	۱۶
الف- جلوگیری از تجدید دعاوی	۱۶
ب- حفظ نظم عمومی	۱۷
مبحث چهارم- اهداف و نتایج قاعده	۱۸
گفتار نخست- اهداف	۱۸
گفتار دوم- نتایج	۲۰

- فصل دوم- موضوع و شروط استناد، آثار و حدود اعتبار قاعده ۲۱
- مبحث نخست- موضوع قاعده ۲۱
- گفتار نخست-رای دادگاه ۲۲
- گفتار دوم- قطعی بودن یا قاطعیت رای ۲۲
- گفتار سوم- منطوق رای ۲۳
- مبحث دوم- شروط استناد به قاعده ۲۳
- گفتار نخست- وحدت موضوع ۲۴
- گفتار دوم- وحدت سبب ۲۶
- گفتار سوم- وحدت اصحاب دعوا ۲۷
- مبحث سوم- آثار قاعده ۲۷
- گفتار نخست- اثر مثبت قاعده (جنبه ایجابی) ۲۸
- الف- قدرت اجرایی حکم ۲۸
- ب- اثر اعتبار امر مختوم کیفری در رسیدگی مدنی ۲۹
- ج- سایر آثار مثبت ۳۰
- گفتار دوم- اثر منفی قاعده (جنبه سلبی) ۳۱
- الف- منع تجدید رسیدگی توسط دادگاه صادر کننده رای ۳۱
- ب- منع تجدید رسیدگی توسط سایر مراجع ۳۴
- مبحث چهارم- حدود اعتبار امر مختوم کیفری ۳۷
- گفتار نخست- فقدان مطلق اعتبار امر مختوم ۳۸
- الف- نقض قواعد صلاحیت ۳۸
- ب- نقض قوانین ماهوی و شکلی ۴۰

ج- تقلب و دسیسه	۴۱
د- رسیدگی مراجع غیر کیفری	۴۳
گفتار دوم- اعتبار مطلق امر مختوم	۴۳
گفتار سوم- اعتبار نسبی امر مختوم	۴۴
بخش دوم - جایگاه قاعده در حقوق کنونی ایران و اسناد بین المللی	۴۶
فصل نخست- جایگاه قاعده در حقوق کنونی ایران	۴۶
مبحث نخست- جایگاه قاعده نسبت به احکام جزایی داخلی	۴۷
گفتار نخست- سابقه تقنینی	۴۸
الف- قوانین آیین دادرسی	۴۸
ب- دیگر متون قانونی	۵۲
گفتار دوم- موارد عدول قانونگذار از قاعده	۵۴
الف- موارد سه گانه نقض	۵۵
ب- تجدید نظر از طریق شعب تشخیص	۵۹
ج- تجدید نظر خواهی رییس قوه قضاییه	۶۲
گفتار سوم- موقعیت کنونی قاعده	۶۵
مبحث دوم- جایگاه قاعده نسبت به احکام خارجی	۶۹
گفتار نخست- موجبات تعقیب مجدد متهم در سطح بین المللی	۷۰
الف- تعارض مثبت صلاحیت ها	۷۰
۱- اصول تعیین صلاحیت کیفری	۷۰
۲- راه حل تعارض مثبت صلاحیت ها	۷۹
ب- اختلاف در احراز شرط وحدت موضوع دو دعوا	۸۲

- گفتار دوم- مبنا و شروط ویژه قاعده در سطح بین المللی..... ۸۳
- الف- مبنا ۸۴
- ۱- رعایت قاعده حقوق بین الملل..... ۸۴
- ۲-تفسیر موسع قوانین داخلی..... ۸۴
- ۳- شرط معامله متقابل..... ۸۵
- ۴- حفظ نظم عمومی جهانی..... ۸۵
- ب- شروط ویژه..... ۸۶
- ۱- شرط مربوط به دادگاه صادر کننده رای..... ۸۶
- ۲- شرط مربوط به رای اول..... ۸۷
- ۳- شرط مربوط به مجازات..... ۸۷
- گفتار سوم- موقعیت احکام جزایی خارجی در حقوق ایران..... ۸۸
- الف- پیش از پیروزی انقلاب اسلامی..... ۸۸
- ب- پس از پیروزی انقلاب اسلامی..... ۸۹
- ۱- رویکرد قانون مجازات اسلامی..... ۹۰
- ۲- زمینه های شناسایی قاعده نسبت به احکام جزایی خارجی در خارج از قانون مجازات اسلامی..... ۹۱
- فصل دوم- قاعده اعتبار امر مختوم کیفری در اسناد بین المللی..... ۹۳
- مبحث نخست- بازتاب قاعده در اسناد بین المللی..... ۹۴
- گفتار نخست- اسناد جهانی..... ۹۴
- الف- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی..... ۹۴
- ب - اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق..... ۹۶
- ج - اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای رواندا..... ۹۷

د - اساسنامه رم برای دادگاه بین المللی کیفری.....	۹۹
گفتار دوم- اسناد منطقه ای.....	۱۰۱
الف- کنوانسیون های منطقه ای حقوق بشر.....	۱۰۱
۱- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی.....	۱۰۱
۲-کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر.....	۱۰۲
ب - کنوانسیون های استرداد مجرمین	۱۰۲
۱-کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمین	۱۰۳
۲- کنوانسیون آمریکایی استرداد مجرمین	۱۰۳
ج - دیگر کنوانسیون های اروپایی	۱۰۴
مبحث دوم- جایگاه قاعده در اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی.....	۱۰۵
گفتار نخست- جایگاه قاعده در اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق	
و رواندا	۱۰۵
الف- اعتبار مطلق احکام دادگاه بین المللی در برابر محاکم ملی	۱۰۵
ب - استثنائات اعتبار امر مختوم کیفری احکام دادگاه های ملی در برابر دادگاه بین المللی	۱۰۶
گفتار دوم- جایگاه قاعده در اساسنامه رم	۱۰۸
الف- استثنائات اعتبار امر مختوم کیفری احکام دادگاه بین المللی در برابر همان دادگاه	۱۰۸
ب - اعتبار مطلق احکام دادگاه بین المللی کیفری در برابر دیگر دادگاهها.....	۱۰۹
ج - استثنائات اعتبار امر مختوم کیفری احکام دادگاههای ملی در برابر دادگاه بین المللی کیفری.....	۱۰۹
نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد	۱۱۱
فهرست منابع	۱۱۴

دیباچه

۱) بیان مسأله: قاعده اعتبار امر مختوم کیفری به عنوان یکی از قواعد مهم آیین دادرسی کیفری، قرن‌های متمادی است مورد قبول نظام‌های حقوقی مختلف می‌باشد. لیکن تلقی همه نظام‌های حقوقی از آن یکسان نیست.

به موجب این قاعده پس از رسیدگی به یک اتهام و صدور رای، رای صادره با رعایت ترتیبات قانونی و در صورت عدم وجود مانع قانونی اجرا و آثار رای نیز بر آن مترتب می‌گردد که این را جنبه مثبت یا ایجابی قاعده می‌گویند و به علاوه بار دیگر همان شخص به خاطر همان اتهام نباید محاکمه گردد. این را نیز جنبه منفی یا سلبی قاعده نامیده‌اند. جنبه مثبت قاعده، تحقق اهداف مجازات‌ها را تضمین می‌نماید و جنبه منفی نیز با جلوگیری از محاکمه مجدد اشخاص، یکی از حقوق اساسی شهروندان را که مورد تاکید اسناد بین‌المللی متعدد از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد، از تعرض دولت و دستگاه قضایی مصون می‌دارد.

این قاعده علاوه بر حقوق داخلی کشورها، در حقوق بین‌الملل نیز مطرح است. چرا که ممکن است حکم صادره قبلی در خصوص اتهام یک شخص از یک دادگاه خارجی باشد.

۲) سوالات پژوهش: در حقوق کیفری ایران این قاعده فرارز و فرودهای فراوانی را در چند دهه اخیر داشته است. به طوری که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، همواره حقوقدانان نسبت به وجود یا تأیید این قاعده در قوانین ایران تردید داشته و از این جهت قانونگذار را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

لذا برای نگارنده این سوال مطرح بوده که آیا قاعده مورد بحث با وجود استثنائاتی که قوانین ایران در سال‌های اخیر به آن وارد ساخته‌است، مورد پذیرش و تأیید قانونگذار ایرانی می‌باشد یا خیر؟ از سوی دیگر پیش‌بینی استثنائاتی بر قاعده در اساسنامه

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به ویژه اساسنامهٔ رم این سوال را به ذهن راقم این سطور متبادر نمود که آیا فلسفه پیش‌بینی استثنائات قاعده در حقوق کیفری ایران و اسناد مذکور با هم مشابهت دارد یا خیر؟ و حتی فراتر از آن آیا اساساً وضع استثنا بر این قاعده جایز است یا خیر؟

۳) فرضیات پژوهش: دیدگاه‌های حقوقدانان و انتقاداتی که از باب وضع استثنائات متعدد بر قاعده بر قوانین وارد نموده‌اند، نگارنده را در خصوص پرسش نخست به این نتیجه رسانده بود که علی‌الظاهر با شرایط موجود قاعده مورد نظر قابلیت استناد ندارد. در خصوص پرسش دوم نیز به نظر می‌رسید قانونگذار از مفاد این اسناد آگاهی ندارد و در صورت آگاهی و اطلاع نیز با توجه به حاکمیت دیدگاه فقهی بر قوانین، اعتنایی به آن نمی‌نماید و لذا علی‌الظاهر نمی‌توان میان هدف قانونگذار ایرانی از یکسو و اساسنامه‌های مذکور از سوی دیگر از وضع استثنا بر قاعده، مشابهتی یافت.

در خصوص پرسش پایانی نیز با توجه به قاعدهٔ معروف «ما من عام الا وقد خص» «هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که تخصیص نخورده باشد»، به نظر می‌آمد وضع استثنا بر قاعده مورد نظر نیز با اشکالی مواجه نباشد. لیکن حدود مجاز استثنا بر نگارنده پوشیده بود.

۴) اهمیت پژوهش: اهمیت پژوهش حاضر آنچنانکه خواهیم دید از اهمیت خود قاعده و آثار آن سرچشمه می‌گیرد. به علاوه ارتباط قاعده با حقوق بین‌الملل بویژه در سالهای اخیر نیز بر اهمیت قاعده و تحقیق دربارهٔ آن افزوده است.

۵) سوابق پژوهش: در خصوص موضوع این پایان‌نامه پیش از این دو پایان‌نامه نگاشته شده است:

اولی در سال ۱۳۶۱ به قلم شیوای آقای دکتر علی اکبر ریاضی و دومی در سال ۱۳۷۸ به قلم آقای آرش ذوالفقار که نگارنده حاضر بویژه از تحقیق اول استفاده وافر نموده است .

تحقیق اول را هم از آن جهت که نخستین حرکت در این زمینه است و هم از این جهت که به خوبی و به طور ریشه ای کار شده است باید کاری سترگ و ماندگار دانست. لیکن در این اثرگرانمایه تأکید اصلی بر خود قاعده و مقایسه آن در نظام های حقوقی مختلف است و به جایگاه قاعده در حقوق کیفری ایران و نیز جنبه های بین المللی آن کمتر پرداخته شده است .

در تحقیق دوم نیز موقعیت قاعده فقط در حقوق داخلی بحث شده است و بنای کار نیز آنچنان بر تفصیل نهاده شده است که استفاده از آن را برای دیگران دشوار ساخته است.

در تحقیق حاضر با پرهیز از ایجاز محل و اطناب ممل تلاش شده است در کنار معرفی قاعده، موقعیت آن در حقوق کیفری ایران و نیز جنبه های بین المللی آن روشن گردد. به علاوه گذشت زمان و تغییرات فراوان در متون قانونی داخلی و نیز توجه اسناد بین المللی بویژه اساسنامه رم به این قاعده، ضرورت تحدید پژوهش در این راستا را می تواند توجیه نماید.

۶) **سازماندهی تحقیق:** این پایان نامه با توجه به هدف و ماهیت تحقیق، در دو بخش جداگانه مطرح شده است . در بخش نخست نفس قاعده به طور عام تشریح شده و در بخش دوم موقعیت آن در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی تبیین شده است .

بخش نخست . قاعده اعتبار امر مختوم کیفری

در این بخش تلاش می شود قاعده مذکور به طورعام مورد بررسی قرار گیرد. قاعده ای که از اهمیت ویژه ای در میان قواعد آیین دادرسی برخوردار است. این قاعده همچنانکه خواهیم دید از حوزه حقوق داخلی کشورها فراتر رفته و در حال بین المللی شدن می باشد. این گسترش هم در حوزه حقوق جزای بین الملل به عنوان شاخه ای از حقوق داخلی کشورها مشاهده می شود و هم در حوزه حقوق بین الملل جزایی به عنوان شاخه ای از حقوق بین الملل.

بررسی این قاعده به طور سنتی با طرح پیشینه تاریخی و تعریف آغاز می شود. سپس مبانی قاعده، اهداف و نتایج آن مورد بررسی واقع می شوند. این بحث هارا در یک فصل تحت عنوان تمهید و تبیین قاعده مطرح خواهیم نمود

فصل دوم اختصاص خواهد داشت به مباحث ریزتر و تخصصی تر مربوط به قاعده. شروط قاعده، آثار و در نهایت حدود اعتبار قاعده در این فصل مطرح می شوند. لذا مطالب این بخش در دو فصل هر کدام شامل چهار مبحث ارائه خواهد شد.

فصل نخست - تبیین قاعده اعتبار امر مختوم کیفری

در این فصل طی چهار مبحث کلیاتی راجع به قاعده اعتبار امر مختوم کیفری مطرح خواهد شد تا پس از آشنایی اجمالی و ایجاد زمینه ذهنی مناسب نسبت به موضوع در فصل بعدی به مباحث جزئی تر پرداخته شود.

مبحث نخست - پیشینه تاریخی:

این که یک شخص نباید بیش از یک بار برای یک عمل جنایی یکسان تعقیب کیفری شود در ضرب المثل " نه دوباره بار یک عمل " (non bis in idem) در حقوق رم اظهار شده است. این ضرب المثل از قاعده حقوقی رمی زیر نشات می گیرد:

("nemo debet bis vexari pro una et eadem causa")

(هیچکس نباید دوبار به خاطر علت واحدی مورد آزار و اذیت قرار گیرد.)

که خاستگاه این قاعده را نیز می توان در منابع یونانی، رومی و مربوط به کتاب

مقدس یافت.^۱

اصطلاح دیگر رایج در حقوق رم "res judicata pro veritate habetor"

به معنای: " رای دادرس خود حقیقت مطلوب است " ، بوده است که با استناد به آن

ضرورت پایان یافتن دعوا را توجیه می نمودند.

این ممنوعیت از یونان به روم سرایت کرد. اولین کسی که این امر را مطرح نمود و

تاریخ نام او را به حافظه خود سپرده است، " موستن " خطیب یونانی بود که در قرن چهارم

قبل از میلاد به مخالفت با رسیدگی مجدد برخاست.^۲

پیشینه تاریخی این قاعده در حقوق کلیسایی نیز برمی گردد به خطابه سن جرم

(st.Jerome) در سال ۳۹۱ م. سن جرم در این خطابه که در مورد پیامبری به نام "ناهوم"

ایراد می کرد گفت: " قضات الهی دوبار کسی را به خاطر ارتکاب جرم واحد مجازات نمی

کنند."^۳

^۱ - conwey. Gerard . nebis in idem in interna tional law .p222

^۲ - آشوری. محمد. آیین دادرسی کیفری. جلد اول. چاپ هشتم. تهران. انتشارات سمت. ۱۳۸۳. ص ۲۳۲

^۳ - همان ص ۲۳۲

در حقوق انگلوساکسون نیز این قاعده نخستین بار در مناظره هنری دوم پادشاه وقت انگلستان و اسقف اعظم توماس بکت در قرن دوازدهم مورد تاکید اسقف قرار گرفت. وی معتقد بود کشیشان متخلفی که در محاکم مذهبی تنبیه شده اند نباید مجدداً در دادگاه های شاهی مجازات شوند چرا که این امر ناقض اصل *nemo bis idipsum* است (عبارت لاتین دیگر آن *nomo debet bis puniri pro uno delicto* می باشد) که به موجب آن مجازات دوباره یک فرد به علت ارتکاب جرم واحد ممنوع شده است. نظریه بکت پس از قتل وی در سال ۱۱۷۶ م مورد قبول هنری دوم قرار گرفت و این امر تاثیر مهمی روی قضات سلطنتی گذاشت. نظریه اعتبار امر مختوم در قرن دوازدهم در حقوق مدنی انگلستان نیز راه یافت و علت اساسی قبول این نظریه در حقوق مدنی و کیفری انگلستان تدریس حقوق رم در آن کشور از جمله در دانشگاه آکسفورد بود.

در طی قرنهای بعدی این قاعده در حقوق انگلستان فراز و فرودهایی را پشت سر نهاد و در نهایت در سال ۱۹۶۴ مجلس اعلای انگلستان (عالی ترین مرجع قضایی این کشور که آرای آن برای کلیه محاکم لازم الاتباع است) صراحتاً این قاعده را مورد پذیرش قرار داد و رسیدگی مجدد به ضرر متهم را ممنوع نمود.^۱

امروزه نیز این قاعده (منع تعقیب مجدد) در کامن لو به صورت دو دفاع برائت قبلی (*autrefois acquit*) و محکومیت قبلی (*autrefois convict*) وجود دارد.^۲

قدیمی ترین قانون نوشته در کامن لو که این قاعده را صراحتاً مورد پذیرش قرار داده اصلحیه پنجم قانون اساسی آمریکا است که مقرر می دارد:

"هیچ فردی نباید به خاطر ارتکاب جرم واحد دوبار در معرض خطر جان یا عضو قرار گیرد."

^۱ - ریاضی. علی اکبر. قاعده اعتبار امر مختوم جزائی. پایان نامه دوره دکتری. دانشگاه تهران. ۱۳۶۱. ص ۲۴

^۲ - Conwey Gerard. Obsid.P222

در میان کشورهای تابع نظام حقوقی رومی ژرمنی نیز قدیمی ترین قانون که صراحتاً پذیرش این قاعده را مورد تاکید قرار داده، قانون اساسی مورخه سوم سپتامبر سال ۱۷۹۱م فرانسه است که مقرر می داشت: "هرکس توسط هیات منصفه قانونی تبرئه می شود دیگر نباید به همان علت مورد اتهام یا تحت تعقیب قرار گیرد." در حقوق اسلام نیز گرچه حکم صریحی که بیانگر این قاعده باشد یافته نشده است می توان مفهوم این قاعده را از اصولی همچون اعتبار قطعی آرای محاکم شرع و روح احکام و تعالیم اسلامی که مبتنی بر رافت و عطوفت است استنباط نمود.

مبحث دوم- تعریف و ماهیت قاعده:

در این مبحث ابتدا چند تعریف از قاعده که از سوی حقوقدانان ارائه شده مطرح و بررسی می شوند و در پی تعریف پیشنهادی نیز ارایه خواهد شد . در گفتار دوم نیز ماهیت قاعده تبیین خواهد شد.

گفتار نخست - تعریف:

اعتبار امر مختوم در امور کیفری را به معنای معتبر شناختن آرای دادگاه ها دانسته اند. آرای دادگاه ها نیز یا قطعی اند یا غیر قطعی . آرای قطعی آرای اند که ذاتاً قطعی و غیر قابل اعتراضند و همچنین آرای که پس از گذشتن مهلت های اعتراض و عدم تجدید نظر خواهی و یا رد در خواست تجدید نظر از سوی مراجع ذی ربط و یا اتخاذ تصمیم نهایی از سوی این مراجع قطعیت یافته اند. دیگر آرای دادگاه ها نیز غیر قطعی اند . چنین آرای از اعتبار امر مختوم برخوردارند و لذا چنین دعوایی مجدداً قابل طرح و رسیدگی نیست و در صورت طرح نیز قاضی مکلف به امتناع از رسیدگی خواهد بود.

از این قاعده تعاریف متعددی شده است که در ذیل چند نمونه آورده می شود:

" در امور کیفری آنگاه که حکم یا قراری مراحل مختلف رسیدگی اعم از بدوی، پژوهشی و فرجامی را طی کرده و یا مواعد آنها سپری شده باشد از اعتبار امر مختوم کیفری برخوردار است و در نتیجه طرح مجدد دعوا و تقاضای رسیدگی به آن فاقد مجوز قانونی است مگر در صورت دستیابی به دلایل جدید مبنی بر بیگناهی متهم که اینجا توسل به یکی از طرق فوق العاده رسیدگی یعنی اعاده دا درسی برای پرهیز از اشتباه قضایی تجویز شده است."^۱

حسن این تعریف جامع و مانع بودن آن و عیب آن این است که تاکید اصلی به موارد حصول اعتبار امر مختوم دارد و نه خود قاعده. حقوقدان دیگری قاعده را چنین تعریف نموده است: " قضیه محکوم بها یعنی دعوایی که منتهی به نظر نهایی دادگاه (در هر مرحله) شده باشد."^۲ این تعریف نیز در واقع تعریف مصداق قاعده است و نه قاعده. نکته مثبتی که در این تعریف وجود دارد اشاره به نسبیت قاعده (در هر مرحله) است که در جای خود به این مطلب پرداخته خواهد شد.

در جایی دیگر این قاعده چنین تعریف شده است: " امر مختوم جزایی وضعیت و حالت خاص دادرسی جزایی ناشی از رای است که در مهلت قانونی از آن تجدید نظر خواهی نشده و یا جری کلیه مراحل دادرسی در قالب تجدید نظر نهایی موجب قطعیت آن شده باشد."^۳

۱- آشوری . محمد. پیشین. ص ۲۳۱ و ۲۳۲

۲- جعفری لنگرودی. محمد جعفر. ترمینولوژی حقوق . چاپ یازدهم. تهران. کتابخانه گنج دانش. ۱۳۸۰. ص ۵۴۹

۱- ذوالفقار. آرش. قاعده اعتبار امر مختوم جزایی. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران پردیس قم. ۱۳۷۸. ص